



زنده باد مارکسیزم - لیننیسم - مائوئیسم

جنایت کاران امارت اسلامی

زیر نام حجاب به سرکوب گسترده زنان پرداخته اند

ستم بر زن با ستم امپریالیستی و ستم طبقاتی گره خورده و با زیربنای استثمار آن مرتبط است. امروز در افغانستان زن ستیزی و سلطه جویی مرد بر زن به انواع و اشکال گوناگون اعمال می گردد. جنایت کاران امارت اسلامی نه تنها حامی این ستم اند، بلکه ستم و خشونت بر زنان را با نشر «اصول نامه جزایی» خود قانونی ساخته اند. امروز در افغانستان نه تنها خشونت، بلکه جنایت علیه زنان تکان دهنده است. این خشونت ها و جنایات امارت اسلامی افغانستان به انواع و اشکال گوناگون تبارز یافته است. از خشونت های لفظی و کلامی گرفته تا لگ و کوب در ملاء عام و قتل زنان توسط مردان به فجیع ترین شکلش ادامه دارد.

زمانی که طالبان - در دور اول - توسط سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ISI)، به حمایت امپریالیزم امریکا و عربستان سعودی، به قدرت رسیدند، یکی از اقدامات جاهلانه و زن ستیزانه طالبان در دور اول زمامداری شان، بستن مکاتب دخترانه و مسدود کردن دروازه های دانشگاه ها به روی دختران و بستن حمام ها و آرایشگاه ها به روی زنان بود.

در گام بعدی طالبان تلاش نمودند تا حجاب اجباری را بر زنان تحمیل نمایند. آن ها در دور اول حاکمیت شان حتی چادر نماز را به عنوان حجاب قبول نداشتند، بل که تلاش شان این بود تا همه زنان را به پوشیدن برقع عادت دهند. زنان هرات بر این فتوا اعتراض نمودند و «روز شنبه اول جدی سال 1375 خورشیدی در شهر هرات 400 زن که همه چادر نماز به سر داشتند علیه قیودات طالبان در چوک گل ها تجمع نموده و به تظاهرات پرداختند و به سمت ولایت با شعارهای «مرگ بر طالبان»، «مرگ بر پاکستان» یا «مرگ یا آزادی» به تظاهرات خود ادامه دادند. در مقابل قنصلگری ایران با موترهای آب پاش و طالبان شلاق بدست روبرو گردیدند، طالبان با موترهای آب پاش زنان را متفرق نمودند و بعد همچو حیوان وحشی بالای زنان حمله نمودند، تعدادی از زنان زخمی و تعدادی بازداشت شدند و به محبس انتقال داده شدند. نه تنها مردم هرات، بلکه مردم سراسر افغانستان و جهان این عمل وحشیانه طالبان را محکوم نمودند.» (مقاله امارت اسلامی طالبان و موضع طالبان در قبال زنان)

زنان هرات بعد از این سرکوب وحشیانه مجبور به پوشیدن چادر برقع شدند. طالبان بعد از این که موفق گردیدند که سیاست چادر برقع را پیاده نمایند، حمام های زنانه را در شهر بستند. به تعقیب آن زنان قندهار علیه حجاب اجباری اعتراض نمودند، این اعتراض مانند اعتراض هرات با سرکوب شدید طالبان مواجه گردید. بعد از سرکوب زنان قندهار زنان از گشت و گذار و حتی رفتن به خانه اقوام و داکتر بدون محرم شرعی !! کاملاً محروم گردیدند و اعلام گردید که باید «صدای کفش زن را نا محرم نشنود».

امروز تمام بنیادگرایان احزاب اسلامی و کلیه مرتجعین از حجاب به عنوان یک اسلحه ایدئولوژیک برای تقویت حاکمیت خود استفاده می کنند. یعنی تطبیق حجاب در جامعه به آن معنی است که زنان اسیر مردان اند. حجاب خصلت طبقاتی خود را با خود حمل می کند. حجاب به معنی واقعی آن تثبیت موقعیت حاکم و محکوم است. یعنی زنان را سر جای شان شانیدن و مطیع مردان نمودن، تا اوامر مردان را بدون چون و چرا اجرا نمایند. حجاب فقط و فقط شخصیت زنان را خورد می کند، سر بلندی را در آن ها می شکند، زنان را ترسو بار می آورد، قدرت دفاع ایشان را سلب می نماید. به این ترتیب زن را عقب نگه می دارند و با عقب نگهداشتن زنان، ثبات نظم سیاسی حاکم تضمین می شود. از زنان کارگر هم کارگران مطیع می سازند.

ما باید که از مبارزات زنان و کلیه متحدین جنبش زنان که علیه حجاب اجباری و طرح های سرکوب گرانه می رزمند حمایت کنیم و این مبارزات را در جهت سرنگون کردن کل نظام مرد سالارانه سوق دهیم. وقتی بحث از حجاب به میان آمد، بد نیست که بدانیم حجاب چیست و آیه حجاب چه وقت "نازل" گردیده و چطور به عنوان حربه سرکوب زنان مورد استفاده قرار گرفته است.

حجاب چیست؟

معنی ضمنی حجاب عبارت از پرده است؛ یعنی منزوی نمودن و خانه نشین نگاه داشتن زنان است. از نظر اسلام، باید زنان و مردان یکدیگر را نبینند؛ یعنی میان شان پرده ای وجود داشته باشد. از نظر اسلام، زن عامل گناه است؛ هنگامی که با مرد روبه رو شود، مرد را غرق در فساد می گرداند. قرآن از یک طرف می گوید

که «زنان پیامبر، مادران امتاند» و از سوی دیگر، به منظور خانه‌نشین نمودن زنان، در مورد زنان محمد به مردان حکم می‌کند: زمانی که چیزی از زنان محمد می‌گیرید، نباید آن‌ها را ببینید.

« و چون خواهید از آن‌ها مطاعی، پس بخواهید از ایشان از پشت پرده که نظر به آن‌ها نکنید» سوره احزاب آیه 53
« قرار گیرید در خانه‌های تان و خود نمائی مکنید مانند خود نمائی زنان دوران جاهلیت پیشین» سوره احزاب آیه 33
« ای پیغمبر بگوبه همسرانت و دخترانت و زنان مومنین را که فرو پوشند بر خود از چادرهای شان تا شناخته نشوند» سوره احزاب آیه 59

آیات فوق به‌خوبی بیان‌گر آن است که اسلام با بیرون شدن زنان از خانه مخالف است و اساساً اسلام بنیان‌گذار جدایی میان زنان و مردان می‌باشد. آیه ۳۳ سوره احزاب این موضوع را به‌خوبی بیان می‌کند که قبل از اسلام، زنان حجاب نداشتند؛ زن و مرد یک‌دیگر را می‌دیدند و می‌شناختند، با یک‌دیگر می‌نشستند و حرف می‌زدند. با آمدن اسلام، این قاعده کاملاً دگرگون گردید.

« قبل از اسلام حجاب نبود مردان زنان را می‌شناختند ... آیه حجاب نازل شد تا مردان زنان را نشناسند و از مخاطره مصئون بمانند. در این آیه خطاب به پیغمبر است که می‌فرماید زنان تمام قامت خود را بپوشانند تا مورد بی‌مهری واقع نشوند» (عماد الدین حسین اصفهانی - عماد زاده - زنان پیامبر اسلام - صفحه 187)

« از زمانی که دین اسلام ظهور کرد زن به کالای مورد معامله تبدیل گردید. در اسلام واقعا چنین است، اگر زنی خود را به نامحرم نشان دهد « مورد بی‌مهری» شوهر و فامیلش واقع می‌شود. زیرا از نظر اسلام زن عامل گناه است، اگر زن خود را نپوشد و از چشم نامحرم مخفی نکند عامل هوا و هوس و جنایت شمرده می‌شود، « هیچ قابل شک و تردید نیست که تنها عامل هوا و هوس و شهوت که راه خشم و غضب و خیانت و جنایت می‌شود زن است (!)... لذا پوشیدن زن و پوشیده داشتن زن و وظیفه پوشش برای زن را از تعلیمات اولیه اسلام و تاکید ثانویه دین است» (عماد الدین حسین اصفهانی - عماد زاده - زنان پیامبر اسلام - صفحه 181)

طبق گفته عماد زاده پوشش زن « از تعلیمات اولیه اسلام و تاکید ثانوی دین است» در اسلام پوشش زن همان ندیدن مرد است. زمانی که قرآن به زنان محمد حکم می‌کند « و قرن فی بیوتیکم» ترجمه: در خانه‌های خود بمانید، به این معنی است که از چشم مرد خود را پنهان کنید. در خانه ماندن زنان همان پوشش و یا حجاب اسلامی است. سوره نور در این رابطه حکم صریح دارد:

« ای پیغمبر بگو به زنان مومنات که چشم‌های خود را بپوشانند، به نامحرمان نگاه نکنند... خود را آشکار نسازند برای هیچ کس... و زینت خود را به نظر کسی نرسانند مگر برای شوهران و پدران و پدران شوهر و پسران و پسران شوهر و برادران و فرزندان برادران و فرزندان خواهران که دیدن آن‌ها را باکی نیست.»

امروز ملا بنویس‌ها و مبلغین اسلامی که همه چیزشان در خدمت امپریالیسم قرار دارد، داد سخن سر می‌دهند که بهترین حقوق را به زنان اسلام داده است. و یا این که می‌گویند که اسلام به زنان اجازه می‌دهد که بیرون از خانه به کارهای اقتصادی و اجتماعی بپردازند و این طالبان‌اند که از اسلام چیزی نمی‌دانند. این‌ها می‌خواهند اسلام را با سرمایه‌داری انحصاری وفق دهند تا حربه‌ای برای سرکوب توده‌ها در دست سرمایه‌داری گردد. این ملا بنویس‌ها و مبلغین اسلامی که اسلام را چنین تعبیر می‌کنند در حقیقت رویزیونیست‌های اسلامی‌اند که در اصل نظریه اسلامی تجدید نظر می‌کنند.

اسلام با تکوین برده‌داری پا به عرصه وجود گذاشت. در طول تاریخ برده‌داری و فئودالی، زنان کاملاً در اندرون خانه محبوس بودند و از کار اقتصادی و اجتماعی محروم. زمانی که سرمایه‌مدن این الگوی استثمار، زنان را به بیرون از خانه کشید، کار خانگی زنان را نیز حفظ نمود. با روی کار آمدن صنعت، زنان به طور قابل چشم‌گیری به کار مزدی مشغول گردیدند.

مساله خانه‌نشینی زنان را غزالی از قول محمد چنین بیان می‌دارد: « وقتی که رسول الله ص فاطمه رضی الله عنه را گفت « زنان را چه بهتر؟ گفت « آن که هیچ مردی ایشان را نبیند» رسول الله ص را خوش آمد و عمر رضی الله عنه را گفت « زنان را جامه نیکو مکنید تا در خانه بنشینند، که چون جامه نیکو کنند آرزوی بیرون رفتن پدید آید» (امام غزالی - کیمیای سعادت)

حسن صحیح در روا ترمزی می‌نویسد: « زن عورت است هنگامی که او بیرون می‌رود (از خانه) شیطان از او پذیرائی می‌کند. بیرون رفتن از خانه شکلی از نمایش عورت، بی‌عفتی و هرزگی است که باعث خوشنودی و لذت شیطان می‌شود.»

امام باقر می‌گوید: « رسول خدا فرمود: بال و پر زنان را کوتاه کنید به ترک لباس و زینت، تا از خانه بیرون نروند، هر که راضی باشد به زینت بیرون رفتن زنش از خانه، پس او دیوس است و بنا می‌شود برای او در هر قدمی که بردارد خانه‌ای در جهنم و فرمود هر که

اطاعت از زنش کند خداوند او را به جهنم اندازد. پرسیدند: غرض از اطاعت چیست؟ فرمود مثلاً اذن می طلبد که به حمام یا عروسی

رود و مرد قبول کند» (مجمع المعارف و مخزن العوارف، عین نهم، در عقوبت زناکاران و لاطیان)

هر قدر که مبلغین و نویسندگان اسلامی تلاش ورزند تا موقعیت زن را نسبت به آن چه اسلام مقرر داشته بهتر جلوه دهند، قادر نخواهند بود با امثال چنین نوشته و تبلیغات مفهوم آیات و احادیثی که زن را موجودی دون پایه در اجتماع و خانواده تلقی نموده تغییر دهند. اسلام زن را منبع فساد در جامعه می‌داند. و تعلیم و تربیت را برای زن منع نموده است. طالبان طبق این احکام اسلامی در دوران اول و دور دوم حاکمیت خود پوهنتون‌ها، مکاتب، دفاتر و حمام‌ها را به روی زنان مسدود نمود و فتوا صادر نمود که زن بدون اجازه شوهر و محرم شرعی نباید از خانه بیرون شود.

امپریالیسم امریکا و متحدینش از زن‌ستیزی طالبان و آپارتاید جنسیتی طالبان به خوبی آگاه‌اند. همان‌طوری که در دوران اول حاکمیت طالبان، امپریالیسم علیه جنایات طالبان علیه زنان لب فرو بست، نه یک کلمه علیه ایشان گفت و نه هم نوشت. همین فعلاً هم به همان ترتیب سکوت را اختیار نموده است، زیرا او به خوبی طالبان را می‌شناسد. امپریالیسم به خوبی مطلع است که طالبان بعد از این‌که از قدرت سیاسی افتادند، در جایی که قدرت داشتند باز هم سعی نمودند که مکاتب دخترانه را مسدود نگه دارند و در مناطقی که نفوذ و نیروی کافی نداشتند، با توسل به تهدید و ارباب اهالی و مخصوصاً دختران مکتب و معلمان، مکاتب دخترانه را به آتش کشیده و مسدود نگه دارند. این تلاش آن‌ها باعث گردیده است که در ساحات وسیعی از مناطق پشتون‌نشین کشور، مکاتب دخترانه کماکان مسدود باقی بمانند.

واقعیت این است که وقتی امپریالیسم امریکا و متحدانش از لحاظ نظامی به بن‌بست خوردند و یقین حاصل نمودند که از راه نظامی دیگر نمی‌توانند به امیال شوم‌شان برسند، تغییر مسیر داده و با طالبان وارد مذاکره گردیدند. زمانی که «توافق‌نامه صلح» دوحه بین طالبان و امپریالیسم امریکا به امضا رسید، امپریالیسم امریکا با گرفتن این امتیاز از طالبان که آن‌ها با «توافق‌نامه استراتژیژیک» و به‌خصوص «توافق‌نامه امنیتی» مخالفتی نکنند و حضور نیروهای استخباراتی‌اش را در افغانستان بپذیرند، امپریالیسم امریکا پذیرفت که نیروهای نظامی‌اش را از افغانستان بیرون نماید و به سیاست داخلی طالبان مداخله نکند. به همین منظور تا کنون دولت امریکا هیچ موضع رسمی در قبال آپارتاید جنسیتی طالبان نگرفته است. امپریالیسم دقیق درک نموده که حکومت‌های دینی، نسبت به حکومت‌های سکولار و یا به اصطلاح دموکراتیک، بیشتر به نفعش می‌باشد. به همین علت نه تنها از طالبان حمایت به عمل می‌آورد، بلکه به هیچ وجه خواهان تغییر سیستم آخوندی ایران نیز نمی‌باشد. حتی تلاش خواهد نمود که مانند عراق، افغانستان و سوریه، در بقیه کشورهای اسلامی بنیادگرایی را رشد دهد و حکومت‌ها را به آن‌ها بسپارد. امروز امپریالیسم امریکا با طالبان بر سر اسارت زنان مشکلی ندارد، بلکه او به فکر منافعتش در منطقه است.

در ظرف پنج سالی که از عمر امارت اسلامی افغانستان می‌گذرد، روزبه‌روز وضعیت زنان وخیم‌تر گردیده است. روزی نیست که فرمانی علیه زنان داده نشود. روز جمعه ۱۵ جوزا ۱۴۰۵ خورشیدی (۵ جون ۲۰۲۶ میلادی) در تمامی مساجد جامع شهر هرات، ملامامان به تبلیغ حجاب اجباری پرداختند و در ختم نماز برای هر ملامام یک اعلامیه توزیع نمودند تا در مساجد خود قرائت نمایند. ملامامان با صراحت اعلان نمودند که از روز شنبه ۱۶ جوزا تمامی زنان «بی‌حجاب» از طرف امر به معروف بازداشت و به زندان منتقل می‌شوند. هرگاه زنی بدون حجاب بازداشت شود، هیچ‌کس حق اعتراض ندارد.

روز شنبه ۱۶ جوزای ۱۴۰۵ خورشیدی (۶ جون ۲۰۲۶ میلادی)، چین‌پوشان امر به معروف و نهی عن المنکر طالبان در تمام شهر هرات برای بازداشت زنان آمادگی گرفته بودند. آن‌ها در این روز شصت زن را از جاده لیلامی‌ها، جاده نخودبریزان، سرک شصت و چهارمتری و جبرائیل بازداشت و به محبس منتقل نمودند. در این روز حتی یک زن جوان که مقاومت نشان داده بود، آن قدر لت و کوب نمودند که رویش از ضربه سیاه شده بود. روز یکشنبه و امروز دوشنبه، زنان با چنان وضعیتی در شهر هرات روبه‌رو شدند. وقتی طشت رسوایی جنایت‌کاران امارت اسلامی افغانستان به صدا درآمد، وزارت حج و اوقاف طالبان با پروری این ادعا را که زنان هرات توسط طالبان از شهر هرات زیر نام عدم رعایت حجاب اجباری بازداشت شده‌اند، رد نمود.

«شیخ الاسلام خیبر سخنگوی وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر به رادیو حریت گفته که بازداشت زنان در شهر هرات صحت ندارد او این شایعات را بی اساس خوانده و افزوده که این شایعات با اهداف سیاسی و مغرضانه منتشر شده است، تا احکام دینی را هدف قرار دهد پس از آن که شماری از نهادها گزارش‌هایی را مبنی بر بازداشت زنان در شهر هرات منتشر کردند آقای خیبر این شایعات را رد کرده است این نهادها مدعی شدند که این زنان به دلیل رعایت نکردن حجاب بازداشت شده‌اند، اما وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر گفته که حجاب یک اصل است و رعایت آن به زنان توصیه می‌شود اما اجبار و شکنجه برای رعایت حجاب مطلقاً دروغ

است.» رادیو حریت - 18 جوزا 1405 خورشیدی

در حالی که روز یکشنبه مورخ ۱۷ جوزا، در قسمت پایین آب شهر هرات، زمانی که طالبان امر به معروف و نهی عن المنکر می‌خواستند یک زن جوان را با ضرب و شتم به موتر بالا کنند، مردم منطقه بر طالبان هجوم بردند و علاوه بر این‌که زن را نجات دادند، طالبان را نیز خوب لت و کوب نمودند.

روز دوشنبه ۱۸ جوزا نیز در همین منطقه (پایین آب) به قول شاهدان عینی، زمانی که یک زن داکتر می‌خواست به کلینک برود، طالبان از موهایش گرفته و با زور می‌خواستند زن را به موتر بالا کنند که مردم بر طالبان هجوم آوردند و بین‌شان درگیری صورت گرفت. در همین زمان موتر لَنجَر رسید و هفت نفر از مردها را بازداشت و با خود بردند. چه کسی جز طالبان بی‌آبرو می‌تواند این حقایق را که توسط ویدئوها پخش گردیده انکار نماید.

بنا به قول شاهدان عینی زمانی که زنان به زندان منتقل می‌شوند، فقط زنی آزاد می‌شود که مبلغ 13000 افغانی جریمه بپردازد و وکیل گذر، رئیس شورا و ملا امام مسجد او را ضمانت کند. این خود یک نوع ستمی است که بر زنان اعمال می‌گردد. در حالی که بسیاری از زنان توان پرداخت این جریمه را ندارند. زنانی که نتوانند جریمه را بپردازند در زندان می‌مانند تا جریمه را پرداخت نمایند.

طالبان به خوبی آگاه‌اند که حجاب اجباری روابط قدرت میان مرد و زن را تضمین می‌کند. حجاب اجباری، جو تسلیمی را میان نیمی از مردم (زنان) دامن می‌زند. طالبان به این طریق می‌خواهند که روحیه مبارزاتی زنان را بشکنند، اما غافل از این که هر جا که ستم است، مقاومت هم وجود دارد. هر عمل با یک عکس‌العمل روبه‌رو می‌شود. با این فشارها، علاوه بر این که روحیه مبارزاتی زنان شکسته نمی‌شود، بلکه نفرت و انزجار به آن حدی خواهد رسید که به قیام عمومی علیه طالبان منتهی شود.

حجاب سمبل نمادین اسارت زن است. مقاومت در مقابل حجاب اجباری، مقاومت در مقابل رژیم می‌کند. طالبان را به سطح برده تنزل داده است. همین حجاب اجباری است که زن را مطیع و فرمان‌بردار مردان گردانیده و به آن‌ها آموخته که در مقابل مردان باید تمکین نمایند. تمکین، زنان را به برده‌ای کاملاً بی‌اراده و فرمان‌بردار بی‌چون و چرای مردان تبدیل نموده است. طالبان تلاش دارند تا فرهنگ انقیاد و مزدورمنشی را در میان زنان تبلیغ و ترویج نمایند. ستمی که امروز در افغانستان تحمیل می‌گردد کاملاً تحمل‌ناپذیر است. امارت اسلامی افغانستان امروز با جبر و اکراه می‌خواهد حجاب اجباری را بر زنان تحمیل نماید. امروز ستم بر زن و تحمیل حجاب اجباری بر زنان به شکل قرون‌وسطایی یکی از ارکان عمده امارت اسلامی افغانستان را تشکیل می‌دهد.

در شرایط کنونی وظیفه تمام انقلابیون است که از جنبش زنان جداً حمایت نمایند، نه تنها حمایت کنند بلکه باید به بسیج و سازماندهی آن نیز بپردازند، زیرا جنبش و مبارزه زنان در افغانستان یکی از عمده‌ترین مبارزات سیاسی است. هر تشکیلی که چنین جنبشی را از نظر بیندازد، دقیقاً یک متحد عمده را از دست می‌دهد. جنبش و مبارزات سیاسی زنان بهترین متحد سیاسی طبقه کارگر به شمار می‌رود. شرکت فعال نسل جوان کشور اعم از زنان و مردان در مبارزه علیه امارت اسلامی افغانستان یک ضرورت مهم اجتماعی است. مسئله اساسی این است که فعالیت‌های انقلابی زنان هم‌نوا و متحد با جوانان، ستم مردسالارانه را که بخشی از نظام استثمارگرانه و ستم‌گرانه حاکم بر افغانستان است مورد ضربت قرار می‌دهد و خشم زنان و جوانان را به مثابه عامل قدرتمندی در راه انقلاب رها می‌سازد.

یگانه راهی که می‌تواند به این ستم و جنایات بی‌حد پایان دهد، سرنگونی نظام استثمارگرانه و ستم‌کارانه طالبانی است. در این زمینه زنان و دختران آگاه باید قاطعانه و استوار دست به مبارزه زده و زنان مبارز و رزم‌جو را متشکل نمایند و مردان انقلابی و آگاه وظیفه دارند از این مبارزه حمایت نموده و فعالانه در پیش‌برد آن سهم بگیرند. زنان مبارز و انقلابی باید بدانند که آزادی حقیقی‌شان در گرو کسب استقلال و آزادی و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و حرکت سریع آن به طرف سوسیالیسم است.

مرگ بر آپارتاید جنسیتی طالبان

مرگ بر امارت اسلامی

زنده باد جنبش انقلابی زنان

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

18 جوزای 1405 خورشیدی

8 جون 2026 میلادی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com